



Comparing the position of women in the poems of Simin Behbahani and Nazul Al-Malaika

. Mahvash Suleimanpour¹ Ahmad Khayali Khatibi² Latifeh Salamat Bavail³

1. PhD student of Persian Literature Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran .Email: solemanpoormahvash@yahoo.com

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch . Email: Ahmadkhatibi840@yahoo.com

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. Email: salamatlatifeh@yahoo.com

Abstract

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 18 March 2021

Accepted: 16 June 2021

Keywords:

Comparative literature,
women's position,
sexism,
asexuality,
transsexualism

Comparative literature is a branch of literary criticism that analyzes the similarities and interactions between the literatures of other nations and examines the similarities and effects of works with each other. In this comparative analysis, the works of Simin Behbahani and Nazul Malakeh are examined in terms of sexism, asexuality and transsexualism, each of which views the position of women from a specific point of view. Based on the assumption that in the works of these two poets, similarities can be found in terms of culture and religion and the way of dealing with women in traditional and modern society, the present study examines the rights of women in the poems of Nazul Malakeh and Simin Behbahani with a descriptive-analytical approach. By examining the poems of these two poets, it became clear that there are many problems and limitations in the way of women in the era of both poets from a cultural and social point of view, which originates from the traditional context of society, economic poverty, traditional patriarchal and sexist views. Both poets are trying to address women's rights in a sexist way; Express their sufferings and problems in their poems. The critical view of both poets on women's rights has shown the importance of transsexualism in the attitude of these two poets to the position of women in the Arab and Iranian society, which they have expressed in a protesting language



مهوش سليمانپور¹ | احمد خطيبى² | لطيفه سلامت باولى³

١ _ دكتورة طالبة في قسم اللغة الفارسية وآدابها فرع طهران المركزي ، جامعة آزاد الإسلامية ، طهران ، إيران.

solemanpoormahvash@yahoo.com

٢ _ أستاذ مساعد في قسم اللغة الفارسية وآدابها ، فرع طهران المركزي ، جامعة آزاد الإسلامية ، طهران ، إيران. مؤلف

Ahmadkhatibi840@yahoo.coM

٣ _ أستاذ مساعد ، قسم اللغة الفارسية وآدابها ، فرع طهران المركزي ، جامعة آزاد الإسلامية ، طهران ، إيران.

salamatlatifeh@yahoo.com

ملخص	عنوان المقال
الأدب المقارن هو فرع من فروع النقد الأدبي الذي يحلل أوجه التشابه والتفاعل بين آداب الدول الأخرى ويفحص أوجه التشابه والتأثيرات بين الأعمال مع بعضها البعض. في هذا التحليل المقارن ، تم فحص أعمال سيمين بهباني ونزول ملكة من حيث التمييز الجنسي واللاجنسية والتحول الجنسي ، حيث ينظر كل منهما إلى وضع المرأة من وجهة نظر محددة. بناءً على افتراض أنه في أعمال هذين الشعاعين ، يمكن العثور على أوجه تشابه من حيث الثقافة والدين وطريقة التعامل مع المرأة في المجتمع التقليدي والحديث ، تبحث هذه الدراسة في حقوق المرأة في قصائد نزل الملكية. وسيمين بهباني بمنهج وصفي تحليلي. من خلال فحص قصائد هذين الشعاعين ، اتضح أن هناك العديد من المشاكل والقيود في طريق المرأة في عصر كلا الشعاعين من وجهة نظر ثقافية واجتماعية ، تنبع من السياق التقليدي للمجتمع ، وهو الفقر الاقتصادي. ، وجهات النظر الأبوية التقليدية والجنسية. يحاول كلا الشعاعين معالجة حقوق المرأة بطريقة متحيزة ضد المرأة. التعبير عن معاناتهم ومشاكلهم في قصائدهم. أظهرت النظرة النقدية للشاعرين حول حقوق المرأة أهمية التحول الجنسي في موقف هاتين الشاعرتين من مكانة المرأة في المجتمع العربي والإيراني ، والتي عبرتا عنها بلغة الاحتجاج.	نوع المقال: مقالة محكمة الوصول: التنقيح والمراجعة: القبول: الأدب المقارن ، موقف المرأة ، التحيز الجنسي ، اللاجنسية ، التحول الجنسي

الإحالة: اسم العائلة، اسم؛ اسم العائلة، اسم؛ اسم العائلة، اسم (١٤٤٣). عنوان المقالة. بحوث في الأدب المقارن، (4) 11، 20-1



DOI: 00000000000000000000000000000000

النشر: جامعة رازي



مقایسه جایگاه زن در شعر سیمین بهبهانی و نازک الملائکه

مهوش سلیمانپور^۱ | احمد خطیبی^۲ | لطیفه سلامت باولی^۳

۱_ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

solemanpoormahvash@yahoo.com

۲_ نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Ahmad.khatibi@yahoo.com

۳_ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

salamatlatifeh@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی می‌باشد که به تجزیه و تحلیل شباهت‌ها و تعاملات بین ادبیات ملیت‌های دیگر می‌پردازد و تشابهات و تاثیرات آثار را با یکدیگر بررسی می‌کند. در این تحلیل تطبیقی، بررسی آثار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه از لحاظ نمود جنسیت‌گرایی، ناجنسیت‌گرایی و فراجنسیت‌گرایی بررسی می‌شود که هر یک جایگاه زن را از ساحتی خاص می‌نگرند. پژوهش حاضر، با تکیه بر این فرض که در آثار این دو شاعر می‌توان وجه شباهت‌هایی از لحاظ فرهنگ و مذهب و نوع برخورد با زنان در جامعه سنتی و مدرن یافت به بررسی حقوق زنان در اشعار نازک الملائکه و سیمین بهبهانی با رویکردی توصیفی-تحلیلی می‌پردازد. با بررسی اشعار این دو شاعر مشخص شد که مشکلات و محدودیت‌های بسیاری در عصر هر دو شاعر بر سر راه زنان از نظر فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که نشأت گرفته از بافت سنتی جامعه، فقر اقتصادی، دیدگاه سنتی مردسالار و جنسیت زده است. هر دو شاعر در تلاش‌اند جنسیت‌گرایانه به حقوق زنان پرداخته؛ مصائب و مشکلات آن‌ها را در اشعار خود بیان کنند. دیدگاه نقادانه هر دو شاعر به حقوق زنان نشان دهنده اهمیت فراجنسیت‌گرایی در نگرش این دو شاعر به جایگاه زنان در جامعه عرب و ایران بوده است که با زبانی معترضانه آن را بیان کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

ادبیات تطبیقی،

جایگاه زن،

جنسیت‌گرایی،

ناجنسیت‌گرایی،

فراجنسیت‌گرایی.

استاد: سلیمانپور، مهوش؛ احمدی، خطیب؛ و سلامت باولی، لطیفه (۱۴۰۳). مقایسه جایگاه زن در شعر سیمین بهبهانی



نازک الملائکه. کاوشنامه ادبیات تطبیقی، (4) 11، 20-1

حق مؤلف ©نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 00000000000000000000000000000000

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

اصطلاح ادبیات زنانه، یکی از موضوعاتی است که از عصر نهضت مشروطیت پیدایش یافت. توجه به نقش‌های اجتماعی زنان هم چون، آموزش در بیرون از منزل، مشارکت در امور اجتماعی، فرهنگی و ادبی از آموزه‌های مهم این نوع از ادبیات است. شاعران زن علاوه بر شاعران مرد، ندای آزادی و احقاق حقوق زن، برابری در حقوق انسانی و همکاری در اجتماع را سرلوحه اشعار خویش قرار دادند و زمینه را بیش از پیش در تکامل این نوع ادبی فراهم آوردند. (سیفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲).

لذا در همین راستا با تقسیم‌بندی‌هایی مواجه هستیم که انواع سوگیری‌ها را نسبت به این موضوع نشان می‌دهد.

الف) نگرگاه‌های غیرجنسیتی جنس‌انکارانه:

که مبلغ شیوه‌های مختلف دنیاگریزی و تن‌ستیزی هستند؛ این نوع که بنیادی رهبانی‌نگرانه دارد پیشنهاد می‌دهد که انسان‌ها از جهان سرشتمانی جنسی_جنسیتی خود بگریزند، و به اشکال گونه‌گون سرکوب کنند.

ب) فراجنسیت‌گرایی:

این شیوه زیست بر این باور است که انسان‌ها دارای هفت خودآگاه و ناخودآگاه جمعی_فردی هفتگانه هستند که در ساختار مشکک تمام آن‌ها ظرفیت‌های موجودی فراوانی در اختیار بشر قرار دارد که هر انسانی که در ساحتی از یک یا چند خودآگاه و ناخودآگاه جمعی_فردی خود را محدود سازد بی‌تردید امکانات وجودی (لوگوسیک) فراوانی را از دست خواهد داد. (ر.ک. مقدمه آذرپیک، عسگری، ۱۴۰۱:

۲۳)

ج) ناجنسیت‌گرایی:

این شیوه نیز که در دو شاخه در فلسفه و ادبیات نوقلندرانه با تئوریز کردن جهان‌بینی قلندرانی چون حافظ شیرازی در فراگرایی برای نخستین بار مطرح شد و نوع نوشتار ناجنسیت‌گرا زیر مجموعه آن است که بیان‌گر اثری است؛ که تا حد امکان فراتر از هرگونه دغدغه و درنگ جنسی_جنسیتی است و اگر نام هنرمند و نویسنده ذکر نشود جنسیت نویسنده قابل تشخیص نخواهد بود زیرا دغدغه نگارنده ساحت دیگر وجود انسانی است. (همان)

بنابراین زنان عرب در سراسر دوره خلافت عثمانی به دلیل وجود قوانینی بسیار ظالمانه و نابرابر در زمینه حجاب، ازدواج اجباری، تعدد زوجات، محرومیت از تعلیم و تربیت و بسیاری دیگر از محدودیت‌های اجتماعی، مورد تبعیض قرار گرفته و از وضعیتی نامطلوب برخوردار بوده‌اند (عزالدین، ۲۰۰۷: ۲۱۱). لذا در وضعیتی جنسیت‌زده به سر می‌بردند تا اینکه با آغاز دوره نهضت و بیداری در کشورهای عربی، دفاع از حقوق زنان و تلاش در جهت بهبود و ارتقای سطح علمی و فرهنگی آنان در کنار بسیاری از امور دیگر، موضوع رایزنی و چاره‌اندیشی متفکران و روشنفکران قرار گرفته و جنبش‌های فکری و فرهنگی مرتبط با مسائل حقوق زنان، یکی پس از دیگری در این سرزمین‌ها آغاز گردید (نعمتی و رخشنده‌نیا، ۱۳۹۱: ۲).

در ایران نیز از عصر مشروطه به بعد با ظهور گفت‌وگوهای تازه مدرنیسم جایگاه زن و فردیت او در جامعه، خانواده، دگرگون و متمایز شد. لذا سرنوشت زن ایرانی همزمان با نهضت مشروطیت تا حدودی متحول شد. در این عصر، به موازات تفکر سنتی رایج درباره زنان، نگرشی نوین تحت تأثیر ارتباط با جوامع غربی و نفوذ فرهنگ و تمدن اروپایی پدید آمد. و در قالب انتقادهای اجتماعی از وضعیت زنان، در شعر تجلی یافت. سخن از حقوق و آزادی زنان، حضور آنان در اجتماع و حق شرکتشان در انتخابات از مصادیق این نگرش جدید در شعر است (حاتمی، ۱۳۹۱: ۶۷).

بنابراین در این نوشتار در پی آن هستیم که با بررسی اشعار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه انواع مواجه (جنسیت‌گرایی، ناجنسیت‌گرایی و فراجنسیت‌گرایی ...) نسبت به جایگاه زن را مورد بررسی و مقایسه قرار داده تا مشخص شود مدرنیسم چگونه بر نگرش جامعه تأثیر گذاشته است و این تأثیرات در شعر نمود می‌یابد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

با توجه به اینکه دو شاعر ایرانی و عرب در دو فرهنگ و خودآگاه‌ها و ناخودآگاه‌های جمعی-فردی هفتگانه (زبانی، زمانی، اندیشگانی، روانشی-جنس-جنسیتی، قومی و مذهبی، و رسانه‌ای) متفاوت زیست کرده‌اند لذا واضح است که اشعار آن‌ها نیز از لحاظ نوع برخورد با مسئله جنسیت متفاوت و متمایز از هم و در ساحت‌هایی مشابه هم خواهد بود. در این نوشتار هدف پرداختن به ساحت‌های مشترکی است که این دو شاعر نسبت به جایگاه زن و جنسیت داشته‌اند. بنابراین ضمن بررسی آثار آن‌ها از جنبه‌های مختلف جنسیت‌گرایی، ناجنسیت‌گرایی و غیرجنسیت‌گرایی مقایسه خواهد شد. به دلیل که تا به حال در مقالات و پژوهش‌های انجام شده به مسئله فراروی از ساختارها و ناجنسیت‌گرایی و فراجنسیت‌گرایی چندان توجهی نشده است؛ لذا این پژوهش می‌تواند نوآورانه باشد. هدف از انجام این پژوهش پرداختن به جایگاه زن از سه ساحت

جنسیت گرایی، ناجنسیت گرایی، فراجنسیت گرایی و مقایسه آثار این دو شاعر از لحاظ نوع برخورد با ساحت‌های گفته شده است.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

۱_ چه وجه اشتراکی می‌توان در شعر سیمین بهبهانی و نازک الملائکه یافت؟

۲_ آیا شعر سیمین بهبهانی و نازک الملائکه جنسیت‌زده است؟ و چرا؟

۳_ آیا شعر سیمین و نازک الملائکه توانسته از جنسیت گرایی فراروی کند؟؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

ادبیات تطبیقی سرشار از متدها و نظریه‌هایی می‌باشد که به صورت کتاب و مقالات مدرن منتشر گردیده و مقاله تطبیقی و بینامتنی آثار شاعران و نویسندگان خارج از مرزها با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف باعث می‌شود که جایگاه فکری آن‌ها مشخص شود. بررسی جایگاه زن در آثار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه سبب شده رویکرد نوینی در نوع نگاه زن به مخاطب ایجاد شود و تا به حال مقالات زیادی در این مورد نگاشته شده که وجوه تشابه و تضادها را واکاوی نموده‌اند. در مقاله‌ای از معصومه نعمتی قزوینی و سیده اکرم درخشنده‌نیا (۱۳۹۱) درباره فروغ فرخزاد و نازک الملائکه دیدگاه این دو شاعر درباره نقد قوانین و سنت‌های اجتماعی، مبارزه با ارزش‌های افراطی_ انحطاطی_ انحصاری در جامعه مردسالار، بیان مظلومیت و مشکلات زنان و همچنین فراروی از امور جنسیت‌زده در نگرش و رسیدن به نوعی زنانه‌نگری انسان‌محورانه (جنس سوم) زنان پرداخته شده است. در نوشتار دیگری از آرش آذرپیک و ستی سارا سوشیان، با توجه به نگرش زمین‌سوژگی، بیان می‌دارد رویکرد اکوفمینیستی همواره در تلاش است زمین و زن را پدیدارهایی ستم‌دیده در سیستم‌های مردسالار و جنسیت‌گرا قلمداد کند؛ بنابراین با نقد این نوع سیستم، رویکرد انتقادی فرافمینیسم را مطرح می‌کند که با عنایت به سیستم افزایشی_ انضمامی فراتر از تمام چهارچوبه‌های زن‌محورانه و مرد‌محورانه انواع سوژه را با توجه به رویکرد فراجنسیت‌گرایی بررسی می‌کند. قاسم مختاری و معصومه درخشان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر به بررسی تطبیقی سبک زبانی و فکری و واکاوی زبان جنسیتی در اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه می‌پردازد که در نتیجه زبان شعر این دو شاعر را نمود واقعی گزیده‌های کلامی یک زن دانسته و لذا زبان آن‌ها را جنسیت‌محور ارزیابی می‌کنند. در هر کدام از این مقالات و مقالات دیگر، به صورت جامع و کامل به مبحث جنسیت در شعر این شاعران پرداخته نشده است. لذا تاکنون جایگاه اجتماعی زن در آثار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته، اما هیچ یک اشعار این دو شاعر بزرگ را از زاویه جنسیت گرایی، ناجنسیت گرایی و فراجنسیت گرایی بررسی نکرده‌اند لذا این نوشتار درصدد است جنبه‌های مختلف نگرش خودآگاه‌ها و ناخودآگاه‌های روانشی_جنس_جنسیتی این دو شاعر را مورد نقد عمیق گرایانه قرار دهد.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

در این مقاله کوشش شده تا با روش توصیفی_تحلیلی و با رویکرد بینامتنیت و مطالعه کتابخانه‌ای به صورت فیش‌برداری آثار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه را واکاوی کرده و به مقایسه تطبیقی جایگاه زن بنابر سه رویکرد، جنسیت گرایی،

فراجنسیت‌گرایی و غیر جنسیت‌گرایی پرداخته شود. لذا این پژوهش می‌تواند دریچه‌ای بر کاوش هر چه بیشتر اشتراکات ذهنی و زبانی دو شاعر ایرانی و عرب باشد. بنابراین برای آشنایی بیشتر با اندیشه‌های ذهنی این دو شاعر بستی علمی و ادبی را فراهم می‌کند، تا در پژوهش‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

نازک الملائکه شاعر زن معاصر عراقی، یکی از پیشگامان شعر نئی عرب است، که در سال ۱۹۲۳ میلادی در شهر بغداد به دنیا آمد. مادرش سلمی عبدالرزاق نیز شاعر بود و اشعارش را در مجلات ادبی به نام «ام نزار الملائکه» منتشر می‌کرد، اما پدرش آثار زیادی از خود به جا گذاشت که دایره‌المعارف «الناس» در بیست جلد از مهم‌ترین آن‌هاست.

سرانجام نازک در سال ۱۹۹۰ در پی جنگ خلیج فارس با قاهره مهاجرت کرد و در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ در همان‌جا چشم از جهان فرو بست. از آثار نازک می‌توان به عاشقه اللیل (۱۹۴۷)، شطایا الرماد (۱۹۴۹)، قراره الموجه (۱۹۵۷)، الصلوه و الثوره (۱۹۷۸)، سایکولوجیه الشعر (۱۹۹۲) و... اشاره کرد. (ذاکر سواعدی، ۱۳۹۴: ۶۰)

نازک الملائکه نخستین کسی است که زنجیر عروض کلاسیک را در هم شکسته و در عروض آزاد شعر سروده است: تقریباً حالتی شبیه به نیمایوشیج در شعر فارسی.... کار خانم نازک الملائکه با تأملات قبلی و با آشنایی با ادبیات غرب همراه بوده است. ایشان به دو موضوع بسیار توجه دارد یکی زبان شعر و دیگری عروض کلاسیک عرب. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۰۲)

سیمین بهبهانی

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (متولد ۲۸ تیر ۱۳۰۶ در تهران)، معلم، نویسنده، شاعر و غزل‌سرای ایرانی و اعضای کانون نویسندگان ایران بود. او در خانواده‌ای اهل علم و دین پرورش یافت. پدرش عباس خلیلی از رجال برجسته تاریخ و ادب ایران و مادرش فخر عظمی ارغون خود شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار بود. سیمین پس از ازدواجش با حسن بهبهانی نام خانوادگی او را برای خود انتخاب کرد و تا امروز نیز باقی مانده است. (بهبهانی، ۱۳۷۷: ۱۳).

وی شاعری را از آغاز جوانی با سرودن غزل‌ها و چهارپاره‌های کلاسیک و رومانتیک آغاز کرد که غالباً دارای مضامین عاشقانه و عواطف زنانه و انسان‌دوستانه بودند. اما از دهه سی به بعد تحت تأثیر اشعار نوپردازان، رگه‌هایی از زبان و تخیل تازه رومانتیک در غزل‌های او پدیدار شد که مجموعه مرمر نشانگر این تحول بود. بعدها مجموعه غزل رستاخیز تلاش موفق او در تلفیق روح تغزلی و محتوای نمایشی به نمایش گاشت. (درویشی، زیرک‌ساز، ۱۳۹۹: ۲۳۹)

۲-۱. عنوان

نازک الملائکه و سیمین بهبهانی

۱- جنسیت‌گرایی:

در مقوله جنسیت‌گرایی می‌توان به انواع نگرش‌های فمینیستی و مردسالارانه اشاره کرد که در هر یک جنسیت موضوع محوری قرار گرفته است و انواع نگرش‌های زنانه‌محور و مردانه‌محور را در بر می‌گیرد. و می‌توان از آن با عنوان «جنسیت‌سوژه‌گرایی» یاد کرد که عبارتند از:

این نوع نگرزی چه در حیطه جنسیت مذکر (مردسالاران) و چه در حیطه جنسیت مؤنث (زنسالاران) اصل و بنیاد تمام تمایزات را در تفاوت‌های جنسیتی_روانی می‌پندارند، مثلاً در حیطه فمینیسم می‌توان به دو دسته کلی اشاره کرد:

- ۱_ زنانه محوری، گروهی که بر پایه زنانه محوری به برتری همه جانبه جنسیت خویش قائل اند.
- ۲_ زنانه نگر، جماعتی که خارج از بحث بهتری یا کهنتری قائل به نمود تعیین یافته زنانه نگر در همه چیز است به باور آن‌ها تمام علوم انسانی، تجربی، ادیان و معارف بشری از آغاز تا امروز شدیداً بنیان مذکرنگری دارند و آنان می‌خواهند با اپوخته گذاری به مشاهده هستی در تمامی ساحات از دیدگاهی زنانه بپردازند. (آذریچک و سوشیان، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴) لذا انواع سیستم‌های مردانه نگر که فمینیسم با آن‌ها درگیر است عبارتند از: مردانه محور زن ستیز، مردانه محور زن گریز، مردانه محور زن ابرار، مردانه محور زن همسان بین، مردانه محور بی تفاوت، مردانه نگر زن حیطه گزین و... (همان)
- بنابراین در مقوله بندی مباحث جنسیتی می‌توان تمامیت نگرگاه‌ها و نگرزی‌های بشری را در مقوله سازی جنسیتی به طور کلی در سه ساحت مجزا تقسیم کرد که هر کدام از این سه ساحت در مواجهه با این دو امر سامان یافته‌اند:
۱. جنسیت گرایی: اعم از مردانه محوری‌ها و مردانه نگرهای رادیکال و زنانه محوری‌ها و زنانه نگرهای رادیکال
۲. جنسیت زدایی: خود به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف. جنسیت انکاری

ب. جنسیت ایزاری

پ. جنسیت پست‌انگاری (ر.ک. مقدمه آذریچک، عسگری، ۱۴۰۱: ۳۱)

لذا در شعر این دو شاعر می‌توان مظاهر جنسیت گرایی را در موارد زیر یافت:

۱_ دفاع از حقوق زن‌ها:

همسان سازی و برابری جنسیتی و همچنین دگرگون ساختن نگاه مردسالارانه در شعر سنتی از ویژگی‌های بارز شعر سیمین و نازک الملائکه است. نگرش سیمین به فمینیسم لیبرال است جدا از ژانر سیاسی_اجتماعی، مبارزه طلبی در شعر سیمین محتمل تر می‌باشد.

یکی از مظاهر جنسیت گرایی و جنسیت محوری در آثار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه دفاع از حقوق زن‌ها می‌باشد. «...حکایت مرگ خاموش یک زن دوره گرد در اشعار نازک، روایتگر مرگ هر یک از زنان عراقی است که در پوچی و بی‌هدفی با زندگی شان نداشته است؛ زن دوره گردی که با مرگش نه رنگی از رخساره کسی پریده و نه بغضی بر لبان کسی نشسته است، زنی که تابوتش در تنهایی و غربت بدون اینکه حتی نگاهی از پس پرده‌ای بدرقه گر راهش باشد به سرای نیستی و فراموشی منتقل می‌شود» (نعمتی، رخشنده‌نیا، ۱۳۹۱: ۴). یکی از مصادیق ستم به زنان در جامعه آن روز، کشتن دختران جوان و زنان بر اثر سوءظن به آنان بود. این موضوع که به «غسل‌اللعار» مشهور است برای پاک کردن ننگی بود که در پی متهم شدن زنی به داشتن رابطه عاشقانه با یک مرد و یا سر باز زدن از ازدواج اجباری با کسی که علاقه‌ای به او ندارد، برای خانواده او به وجود می‌آمد. (دادخواه، فقیهی، ۱۳۸۸: ۴۳)

نازک الملائکه نیز در سروده‌هایش به این سنت غلط انتقاد کرده و سنگسار شدن زنی را به تصویر می‌کشد.

ای مادر، نفس آخر، اشک و سیاهی

و خون روان شد و جسم زخم خورده بی اختیار تکان خورده لرزید

و موهای فردار که گل در آنها لانه کرده است

و صدای «ای مادر» که کسی جز جلاد آن را نشنید

و فردا سپید خواهد آمد و گل ها بیدار خواهند شد،

بیست سالگی و آرزوی شیرین و سحرانگیز او را فرامی خواند

ولی مرغزار و گل ها جواب می دهند:

از میان ما رفت، برای شستن لکه ننگ. (نازک الملائکه، ۱۹۹۷م، ج ۲: ۳۵۱)

در واقع جنسیت نازک الملائکه و نگاه زن محورانه اش سبب شده، نسبت به هم جنس خود احساس ترحم و مهر و رأفت

داشته باشد. و لذا به حمایت از هم جنسانش برآید و لب به انتقاد و شکایت بگشاید. هر چند برخی از زنان با نگاه

مردمحورانه از چنین سنتی حمایت می کنند و ناخودآگاه تحت تسلط مردسالاری کهن قرار گرفته اند اما نازک الملائکه

یک قدم از چنین زنان سنتی با نگاه مردمحورانه فراقرفته است. و از اینکه زنی در خدمت نگاه مردمحورانه باشد سرباز زده

و چنین سنت های زن ستیز را نفی می کند.

سیمین بهبهانی نیز به مسایل و درون مایه های اجتماعی به ویژه مسائل و حقوق زنان حساسیت فوق العاده از خود نشان داده

است. بهبهانی شاعری است که به طور ویژه بیشتر فکر خودش را بر مسئله زن متمرکز کرده است (محمدی، ۱۳۷۹: ۶۱).

شعر سیمین بهبهانی حاکی از تجربه های تلخ و شیرین عمیق انسانی اوست که شاید در میان زنان شاعر ما بی سابقه باشد

(احمدی، ۱۳۸۴: ۳۳). از این جهت می توان گفت که نگرش شعر بهبهانی با گذشتگان متفاوت است و به گونه

زنانه محورانه انسان گرایانه به مسائل و حقوق زنان می پردازد.

اوست که شادی به جمع داده همه عمر لیک دلش شادمان، دمی نپیده

اوست که عمری چشانده باده لذت خود ولی افسون جرعه ایی نچشیده (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۵۷).

این اشعار بیان کننده فقدان آزادی زنان است و موقعیتی را بیان می کند که زنان در زندانی محبوس شده و شادی را در

خود نمی بیند. این اشعار بیان کننده تضییع حقوق زنان در عرصه های فرهنگی و اجتماعی است.

در بخشی دیگر سیمین به زنی شرمگین و بینوا اشاره دارد که از فقر و ناداری فرزند نامشروع را رها می کند تا شاید قنடاق و

جامه ای نو بیاید؛ اما کودک خوراک سگان می شود:

از صدای پای سنگینی فتاد لرزه بر اندام من، سیماوار

طفل را افکندم و بگریختم دل پر از غم؛، شانه های خالی ز بار

روز دیگر کودکی بارش خبر می کشید از عمق جان فریاد را

داد می زند: آی فوق العاده، آی خورد سگ کودک نوزاد را (همان: ۶۲).

اشعار بیان شده حاکی نگاه جنسیت گرایانه نازک و سیمین به جامعه زنان از جمله فقر است که می تواند فساد به بار آورد و

موجب رفتارهای غیر انسانی، قتل و بی خانمانی گردد.

۲_ بیان مشکلات زن‌ها، یکی از دغدغه‌های نازک الملائکه در شعر بیان مشکلات و آلام و رنج‌های زن‌های سرزمینش است که از جنگ و آوارگی در رنج هستند. و سبب شده روح رنجور زجر کشیده‌ای در آن‌ها رشد کند که از سرگردانی نقاب سکون و سکوت را برگزیده‌اند. حتی با پایان یافتن سرگردانی باز هم رنج و اندوه ادامه دارد. شب می‌پرسد که هستم من / من آن راز پریشان عمیق سیاه اویم من وجودم را به سکون نقاب زدم / روح سرگردان اویم که زمان انکارم کرده / من همچون او بی سرزمینم / وقتی به هیچ می‌رسیم / می‌پنداریم که پایان رنج است / اما همچنان ادامه دارد (نازک الملائکه، ۱۳۹۶: ۹۲/۶۹).

اما سیمین پا را از این هم فراتر می‌گذارد و از درد زنان بسیاری سخن می‌گوید، و اغلب این مشکلات و دغدغه‌ها از بی‌پناهی، شکست در عشق و دل‌بستگی، مشکلات درون خانه، و حتی دغدغه‌های یک مادر را نیز به تصویر می‌کشد. و از بی‌پناهی فرزندان و کم بودن شیر یک مادر برای فرزندش سخن می‌راند. زنی را می‌شناسم من که می‌گوید / پشیمان است / چرا دل را به او بستم / کجا او لایق آن است / زنی هم زیر لب گوید / گریزانم از این خانه / ولی از خود چنین پرسد / چه کس موهای طفلم را پس از من می‌زند شانه / زنی آستن درد است / زنی نوزادغم دارد / زنی می‌گرید و گوید / به سینه شیر کم دارد. (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۸۶)

هر دو شاعر از زوایای گوناگونی به مصائب و مشکلات انواع زن‌ها پرداخته‌اند که می‌توان به اختصار آن‌ها را چنین عنوان کرد. زن آواره، زن رها شده، زن سرگردان، زن فریب خورده، زن پریشان، زن در تردید، زن نقاب زده، زن طناز، زن هوس‌انگیز، زن آشوبگر و ... و در مورد هر کدام مصداق‌هایی یافت. زیرا در انواع خودآگاه‌ها و ناخودآگاه‌های جمعی_ فردی هفتگانه زنان همانند مردان از لحاظ مکان، زمان، زبان، مکان، روان، نژاد، مذهب، اندیشه و ... در تشکیک مادرمائیک و موجودی قرار دارند

۳_ بیان عشق و دل‌بستگی یکی دیگر از مضامین جنسیت‌گرایانه موجود در اشعار نازک الملائکه و سیمین بهبهانی است که هر دو دچار عشق و دوستی و الفت با غیرهمجنس شده‌اند، گاه این عشق با اقبال خوش روبه رو شده و گاه نیز به ناکامی و اندوه بدل شده است. در نمونه‌های زیر هر دو شاعر از اندوه رفتن معشوق سخن می‌گویند، و لب به شکایت می‌گشایند.

جز زهره اندوهش را / چون سایه بر چهره زمین می‌گستراند / حکایتی بود که صدایی برایم باز گفت و ناپدید شد / قصه عشقی که قلب تو آن را مرده می‌پندارد / (نازک الملائکه، ۱۹۹۷: ۸۲)

در سطور فوق نازک الملائکه لب به شکایت گشوده است و می‌گوید چیزی جز اندوه از عشق بر زمین باقی نمی‌ماند و قلب تو قصه عشق را چیزی مرده و بی‌روح می‌پندارد.

روزهای خاموش گذشت / یکدیگر را ندیدیم / حتی رویای سراب گونه ما را به هم جمع نکرد من تنهایم و خود را به گام نهادن در تاریکی سرگرم می‌سازم روزها گذشت _ یکدیگر را ندیدیم تو در آنجا پشت مرز رویاها هستی. (همان: ۸۳)

و در این سطور از دوری معشوق و دلتنگی برای دیدار سخن می‌راند. و در نهایت معشوق را دست نایافتنی تصور می‌کند که در پشت مرز رویاها سکنی گزیده است. سیمین بهبهانی نیز دغدغه‌های عاشقانه را به گونه‌ای دیگر به تصویر می‌کشد.

هر دو شاعر سرشار از احساسات لطیف زنانه‌اند که به تلنگری می‌شکند. نگرانی و یاس و ناامیدی در قالب کلماتی چون تنهایی / دیدار / برگرد / رؤیای سراب گونه / روز شد و شب شدم / رفت و... نشان داده شده است. آنکه مرا عاشق و دیوانه بود / با که بگویم ز برم رفت رفت / روز شد و شب شدم و کوهسار / پرتو مهرش ز سرم رفت رفت (بهیانی، ۱۳۸۸: ۸۹)

۴_ دغدغه‌های زنانه:

پرداختن به افکار و امور زنانه یکی از طبیعی‌ترین کنش‌های جنسیت‌محورانه در شعر نازک‌الملائکه و سیمین بهیانی است. از این منظر سیمین تن‌دوستانه برای آرایش ظاهر خود تقاضای سرخاب می‌کند و به سر و سینه جلوه‌های هوس‌انگیزانه می‌بخشد؛ و در مقابل از محبوب می‌شنود که زیبا و دلفریب شده است. در واقع سیمین در پاره‌ای اشعار جنسیت را محور نگرش خویش قرار داده و تن‌کامانه با خویش و دیگر زنان رفتار می‌کند. در اشعار زیر که شرح آن‌ها گذشت می‌توان دغدغه‌های جنسیت‌محورانه و زنانه‌ای یافت که سیمین از آن‌ها فراروی می‌کند. تا به جنس سوم و وجود گشوده دست یابد.

بده آن قوطی سرخاب مرا تا زخم رنگ به به رنگی خویش (همان: ۳۲/۸)

در خمش جلوه دوچندان بخشم / هوس‌انگیزی آشوبگری به سرو سینه و پستان بخشم / ای زن چه دلفریب و زیبایی محبوب من نگاه دو چشم تو / آشوب‌زای و وسوسه‌انگیز است مطبوع و دلپذیر و طرب‌افزاست / خورشید گرم نیمه پاییز است. (همان: ۳۲/۱۹)

در اشعار نازک‌الملائکه نیز می‌توان دغدغه‌های جنسیت‌محورانه و نوع نگاه زنانه‌محور را یافت. انتظار یکی از نگره‌هایی است که نوع نگاه زنانه را بیان می‌کند. در روانگاه وجودی زن سنتی، همیشه منتظر معشوق و یاری است که زندگی‌اش را دگرگون نماید. در واقع انتخاب شدن همیشه خصلتی زنانه بوده است که در شعر نازک‌الملائکه به روشنی نمود یافته است.

روزها فرو مرده بگذشت / یکدگر را ندیدیم، حتی / در سراپی ز رویای دوری / تیره و تار و تنها، در اینجا / زیر گامی ظلامی از این سان پشت این در / پشت این پنجره، پشت شیشه / روزها رفت (نازک‌الملائکه، ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۰، ۲۲۰)

بنابراین در شعر این دو شاعر یکی از شاخصه‌های اصلی حفظ زبان و روان و نگاه زنانه است. که در واقع با حفظ و همراهی این ساحت از وجود خویش به سمت دیگر ساحات و ساختارها فراروی کرده‌اند. برخلاف برخی از نگرش‌های فمینیستی که جنسیت را رد و انکار و گاه حذف می‌کنند، نازک‌الملائکه و سیمین هیچ‌یک زنانه‌محوری و زنانه‌نگری را حذف نکرده‌اند و از پس جنسیت خود به هستی و رخدادها و پدیدارها می‌نگرند.

۳_۲. نا جنسیت‌گرایی

در ادبیات قلندرانه، مؤلف در اوج خویش‌مندی بوده و جایگاه من شناور _من لغزنده استوار و ایستاده_ قرار دارد. مخاطب نیز در اوج ناخویش‌مندی و در جایگاه توی شناور است. ناخویش‌مند از این رو که ماهیت خود واقعی پوشیده است. و شناور بودن معنی پذیرفتن ساحت‌ها و ابعاد گونه‌گون وجودی را دارد. (ر.ک. مقدمه آذریک، مسیح، ۱۴۰۰: ۱۳۵) لذا

در ناجنسیت گرایی خود آگاه و ناخود آگاه جمعی_فردی روانشی_جنس_جنسیتی حذف و نادیده گرفته می شود. به عبارت دیگر من در واقع بودگی ام یک مرد، یک مسلمان، یک کورد زبان و ... هستم که این ویژگی ها بعد ثابت وجودی مرا سامان می بخشد. اما ناجنسیت گرایی نویسی از این واقع گرایی فراروی می کند. و از پتانسیل زنانه نویسی نیز فراروی می کند. این گونه است که با وارد شدن به فضایی گسترده و بی پایان با حفظ و همراهی همواره بعد ثابت شخصیت، شخصیت خود و معشوق، متکثر شده و در عین حال اثر هنری ای که خلق می شود فرارونده و دارای وحدت وجود است. (همان)

در اشعار نازک الملائکه و سیمین بهبهانی می توان مظاهری از ناجنسیت گرایی یافت که این دو شاعر توانسته اند خود آگاه و ناخود آگاه جمعی_فردی روانشی_جنس_جنسیتی خود را حذف کرده و مسائل و امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بدون در نظر گرفتن جنسیت خود و دیگران بیان می کنند. در این نوع اشعار هر دو شاعر توانسته اند من که سوژه ای شناوری است را در پدیدارهای گوناگون متجلی سازند.

لذا « پارادایم های ناجنسیت گرا اصل را در آن جنس و سهم مشترک بشری جدا از هر گونه بحث مذکر و مؤنث بودن می بیند و این اصل قرار دادن جنس و سهم مشترک تا آنجا پیش می رود که به تحقیر هم جانبه و حتی انکار امیال و غرایز جنسی و نگاه های جنسیت نگرانه در جهان مذکر بودگی و مؤنث بودگی می انجامد. » (ر.ک. مقدمه آذریچک، عسگری، ۱۴۰۲: ۲۹)

۱_ نگاه سیاسی

اولین اشعار نازک الملائکه اشعاری است که در جریان جنگ جهانی دوم و سال ها پس از آن سروده است. در این جنگ عراق به اشغال نیروهای متخاصم درآمد و نتیجه ای جز ویرانی و کشته شدن بی گناهان در بر نداشت. نازک الملائکه که از نزدیک شاهد این بلای خانمان سوز بود، بسیاری از خرابی ها و نتایج شوم آن را به تصویر کشید. افسوس که میدان ها از کشتگان تنگ شده اند و مرده ها دیگر دفن نمی شوند. در دامنه کوه ها، زیر سایه درختان، پشت قصرها و ویرانه ها جز استخوان و اعضای مردگان، جز غم و فریاد چیزی نیست. (نازک الملائکه، ۲۰۰۸: ۴۰)

می توان گفت من در نازک الملائکه یک من سوژه شناور و متکثر در همه کس است که می تواند در پدیدارهای گونه گون تجلی یابد، من عاشق، من مبارز، من ناامید و ... (ر.ک. مقدمه، مسیح، ۱۴۰۰: ۱۳۴)

و تو نیز یک دیگری شناور و متکثر در همه کس است که می تواند در پدیدارهای گوناگون تجلی یابد یعنی توی معشوق، توی مبارز و ... (همان) لذا نازک الملائکه و سیمین بهبهانی از واقع بودگی خویش در جهان فراروی کرده اند و با وارد شدن به فضاهای گسترده دیگر با حفظ و همراهی همواره بعد ثابت شخصیت خود در هیأت یک مبارز وطن پرست نیز ظاهر می شوند.

همین نگرش در شعر « دوباره می سازمت وطن » بهبهانی نیز نمود یافته است.

دوباره می سازمت وطن! اگر چه با خشت جان خویش

ستون به سقف تو می زنم اگر چه با استخوان خویش (ر.ک.، بهبهانی ۱۳۶۰، شریفی، ۱۳۹۱: ۲۳۲)

با توجه به نگرش ناجنسیت گرایانه سیمین و نازک می توان گفت وطن پرستی به ناسیونالیسم می انجامد، یعنی نوعی نگاه

محدودگرا برای نگرستن به دیگر سرزمین‌ها، نژادها و مردمان ایت که معیار و مکیال آن در دایره نگاه سرزمین خود تعریف می‌شود. و در این تعریف، انکار، تصغیر و تحقیر دیگر ملل وجود خواهد داشت. و دستامدها و ساحت‌های نشانگانی و فرهنگی و تمدن خود را با صیغه مبالغه می‌نگرند. در جهان وطنی نیز نشانگان آن هیچ گونه ارزش و جایگاهی برای فرهنگ و تمدن بومی و ملی قائل نیست و خود را شهروند کره زمین می‌داند. این نگاه نیز بیشتر شبیه وطن پرستی در ساحتی افراطی_ انحطاطی رخ می‌دهد. و به جای جهان وطنی، انسان را در سیاهچاله بی وطنی می‌اندازد زیرا تمام ظرفیت‌های فرهنگی و ملی، ظرفیت‌هایی است برای ارتباط و گفتگو با دیگر ملل که این ساحت وطن پرستی است که در ناجنسیت‌گرایی مطرح است از آن در فرائیسم به فراوطن‌گرایی تعبیر می‌شود؛ در این مورد آذربیک در مقدمه کتاب «زبان‌های» عاشقانه می‌نویسد: «در فراوطن‌گرایی شخص با حفظ و همراهی تمام مقوله‌ها و نشانگان فرهنگی و تمدنی خود به گفتگوی دیالکتیک محورانه (دیالکتیک ادراکی) و نه دیالکتیک ترو سنتز محور با دیگر ملل و نحل می‌پردازد. و قصد آن در دیالکتیک ادراکی نه غلبه و با صیغه مبالغه نوشتن فرهنگ و تمدن خود است و نه با کاف تصغیر و تحقیر نگرستن به فرهنگ و تمدن ملل دیگر است؛ بلکه در اوج ارتباط بی‌واسطه تمام انگارگان و نشانگان و مقوله‌های فرهنگی و تمدن خود با دیگر ملل انجام می‌شود؛ و دگرسوژه‌گی فرهنگی جای خود را به سوژه_اژه‌گرایی یا دیگر‌گرایی افراطی لویناسی می‌دهد.» (عسگری، ۱۴۰۲: ۳۲)

۲_ نگاه ایدئولوژیک

با تأمل در مجموعه‌های شعری سیمین می‌توان یکی از اندیشه‌های اصلی شعر این شاعر را انتقاد از مردان دانست؛ زیرا اشعار ایشان، رنگ بوی اعتراض به مردانی را دارد که با دید سنتی به زنان می‌نگرند و آن‌ها را از مشارکت در جامعه و کارهای اجتماعی منع می‌کنند. این نگرش زنانه همان چیزی است که در شعر سیمین «کولی» نمادی از او می‌شود و درباره آن می‌گوید: «در کمال وضوح مشاهده می‌شود که در تاریخ اجتماعی و ادبی ایران در مقایسه با مردان کمتر به نام برجسته‌ایی از زنان بر می‌خوریم. گهگاه اگر نامی هم آمده باشد، نام زنانی است که به نیابت فرزند صغیرشان سلطنت کرده‌اند. از زن در ادبیات ما به عنوان قمر خانگی، محبوب حصار، پرده‌بوش، پادشاهی حرم، ماه پرده‌بوش، نهان داشته و امثال این تعبیرات یاد شده است. نخستین زیور اخلاقی را که برای زنان شایسته انگاشته‌اند حفظ پوشش و گریز از تظاهر است، در چنین شرایطی زنان که جرأت اظهار وجود داشته‌اند گهگاه جان خود را بر سر آن گذاشته‌اند (ابومحسوب، ۱۳۸۷: ۵۸). در شعر واسطه هم متلاشی شدن زن ایرانی و کالایی شدن او از پس ایدئولوژی مردستیزی نشان داده شده است. تصویری سیاه از رفتار مشمئزکننده واسطه‌ای که به دنبال شکار تازه‌ای برای «خرسی پیر» و ازدهایی خونخوار است که پس از کام گرفتن می‌گوید:

پاسی ز شب گذشت و برون شد

شادان که: «وه چه پر هنری تو

این زر بگير کز پی پاداش

شایان مزد بیشتری تو...» (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۲۸)

مرد واسطه که خود از قربانیان این اجتماع متاشی شده و قطعه قطعه شده است و از شکوفه‌هایی که در نگاه دخترک

می‌بیند، شرری بر جان او افتاده است، به رگ نیمه جان غیرتش بر می‌خورد و به خشم می‌گوید:

آن گونه گشت حال که گفتم

کوبم به فرق مرد زرش را

کای ازدها! بیا و زر خویش

بستان و باز ده گهرش را (همان: ۲۸، ر.ک. شریفی، ۱۳۹۱: ۶۸)

نه لبخندی، نه نشاطی، نه توجهی، پس چاقو در قبضه پدر و برادرانمان در انتظار ماست. و فردا چه کسی می‌داند چه

برهوتی ما را خواهد پوشاند به خاطر شستن لکه ننگ. (الملائکه، ۲۰۰۸، ۲/۲۵۰)

بنابراین نگرش مردستیزی و شکایت و نشان دادن ظلم‌هایی که از طرف جنس مذکر بر زن‌ها رفته است یکی از نگرش‌های

ایدئولوژیکی است که در شعر این دو شاعر برجسته می‌نماید و می‌توان گفت آن‌ها با نشان دادن حذف شدن روانگاه

وجودی‌شان در اشعارشان درصدد هستند مخاطب را با خود هم‌سو نمایند تا علیه ظلم آشکار واکنش نشان دهد. لذا نازک

و سیمین توانسته‌اند در قالب من شناور خود را در قالب یک من مبارز، من وطن‌پرست، من معشوق و ... متجلی سازند. و

ناجنسیت گرایانه، به جامعه و مشکلات جامعه خصوصاً زنان واکنش نشان دهند.

۳-۳. فراجنسیت‌گرایی

در فراساختارگرایی دگرسوژه‌ها با یکدیگر به دیالکتیک ادراکی می‌پردازند. یعنی برای رسیدن به سهم وجودی _

موجودی سعی دارند دگرسوژه‌های یکدیگر را ادراک کنند. و درک فرایندی یک طرفه نیست بلکه هم‌افزایانه و دو طرفه

است. و دیالکتیک محور است نه گفتگویی. در دیالکتیک ادراکی ارتباط بی‌واسطه بی‌وسیله نیست و این دیالکتیک میل

به فراروی از جنسیت زده‌گی به سمت دریافت سهم وجودی _ موجودی دارد. لذا در دگرسوژه خود و دیگری در ساحت

وجود برابرند اما در موجودیت بنابر حضور در انواع خود آگاه‌ها و ناخود آگاه‌های جمعی _ فردی هفتگانه مشکک هستند.

که مملو از تفاوت‌ها و شباهت‌ها و مازدها، یگانگی‌ها، انفصال‌ها و جدایی که همان ساحت‌های ثابت و متغیر در سیستم

عمیق‌گرایی است می‌باشد و بنابر ساحت مکان که از تن آغاز می‌شود تا آن سوی منظومه ... تمام داشته‌ها را در زندگی

سبب می‌شود. (مسیح، ۱۴۰۱: ۱۵) بنابراین:

خود = دگرسوژه دیگری = دگرسوژه هستی = دگرسوژه

و هر فردی نسبت به فرد دیگر و حتی نسبت به هستی یک دگرسوژه محسوب می‌شود. لذا این ارتباط در چهار ساحت

تعریف می‌شود. (آذریک، مسیح، ۱۴۰۲: ۸)

بنابراین در نگاه فراجنسیتی شاعر و نویسنده از خود آگاه و ناخود آگاه جمعی _ فردی روانشی _ جنس _ جنسیتی بیولوژیکی

خود فراروی کرده و فراتر از ساختارها و بایدها و نبایدها با تمام هستی ارتباط بی‌واسطه برقرار کرده و لذا نسبت به آن‌ها

به دیالکتیک ادراکی می‌رسد. و شعر حاصل این دیالکتیک ادراکی و ارتباط بی‌واسطه با هستی و هستی‌مندان است. در

شعر نازک الملائکه و سیمین بهبهانی نیز می‌توان به مواردی اشاره کرد که در آن‌ها این دو شاعر توانسته‌اند نگاه

فراجنسیتی و فراساختاری را در خود بارو کنند و در شعرشان نمود یابد. لذا می‌توان از موارد زیر به عنوان برون رفت از

چنین ساختارها و نگاه‌های ساختار زده و جنسیت زده‌ای نام برد. (همان)

در فراجنسیت گرایی اگر چه وجود انسانی یا همان جنس و سهم سوم به عنوان بنیان و ریشه گاه اصل قرار می گیرد، اما این به معنای نفی امکانات و امیال زنانه و ردانه نگری نیست بلکه مذکر و مؤنث بودگی را یکی از ظرفیت ها و فراخوانهای موجودی برای نمود امکانات وجودی و یا تعین امکانات وجودی می داند و به هیچ طریقی درصدد نیست ظرفیت های موجودی که یکی از بنیادی ترین آن ها خود آگاه ها و ناخود آگاه های روانشی_جنس_جنسیتی است را تحقیر، تصغیر و انکار کند. بلکه می خواهد آنها را بر اساس سهم مشترک در راستای نمود امکانات وجودی، بیش از پیش تعین بخشد. (ر.ک. مقدمه آذریک، عسگری، ۱۴۰۲: ۳۰)

پس تفاوت بنیادین ناجنسیت گرایی و فراجنسیت گرای در آن است که ناجنسیت گرایان، جنسیت را در جهان انسانی برای نمود امکانات وجودی مزاحم و حاشیه می دانند. اما فراجنسیت گرایان جنس و جنسیت را ظرفیت هایی شگرف و بالقوه برای به فعلیت در آوردن امکانات وجودی می داند. و نقطه اشتراک هر دو باورمندی به امکانات وجودی و سهم مشترک زن و مرد از وجود انسانی فارغ از جنسیت است. اما همانطور که گفته شد فراجنسیت گرایان نمود و تعین آن امکانات وجودی را بدون اصالت دادن به انواع ظرفیت های موجودی غیر ممکن می دانند. یک ناجنسیت گرا غریزه جنسی را با دوری از اجتماع، عدم عشق ورزیدن طبیعی و عدم تشکیل خانواده مذکر و مؤنث بودگی را در خود انکار می کنند، اما فراجنسیت گرا در زندگی طبیعی عمل می کند. جهان مذکر و مؤنث بودگی را همان گونه که در چرخه زیست و جان جامعه و جهان انسانی است تعین می بخشد، و صرفاً در آن محدود و محصور نمی ماند. و از آن به منظور دستیابی به سهم مشترک و جنس سوم خود، بدون انکار و نفی ساحات طبیعی خود فرا می رود. پس فراتر از ساختارهای طبیعی آن غرایز طبیعی را به ساحتی فرایی و بسیط گسترش می دهد. (همان)

۱_ نگاه مادرانه به همه چیز:

یکی از مظاهر فراجنسیت گرایی در آثار سیمین بهبهانی و نازک الملائکه نگاه مادرانه داشتن نسبت به همه است. «نگاه مادرانه در ساحت وجودی

با ساحت غریزی و سرشتمانی دو امر متفاوت اند، یعنی مادر اگر فقط در ساحت به دنیا آوردن فرزند توسط جنس مؤنث تعبیر شود؛ جنبه صرفاً غریزی دارد مانند به دنیا آوردن فرزند انسان یا بز یا خرگوش و ... اما اگر از جنبه غریزی و ساختار پیشینی که میان تمام موجودات که فرزندآوری دارند فراتر برود به یک نگاه برای نگرستن برای تمام هستی و موجودات دیگر و حتی انسانهای دیگر تعین یابد آن نگاه مادرانه فراجنسیت گرایانه خواهد بود. یعنی با حفظ و همراهی آن ساحت مؤنث بودگی به سمت سهم مشترک و وجود انسانی فراتر می رود و به آن اصالت می دهد، و آن نوع نگاه را به جایگاهی می رساند که می تواند نسبت به تمام دنیا حس مادرانگی داشته باشد. (ر.ک. مقدمه آذریک، مسیح، ۱۴۰۰: ۸۶)

سیمین و نازک الملائکه از آن نگاه زنانه محور و مردستیز فراروی کرده اند، و در آن ها نگاهی انسان محورانه شکل گرفته است به گونه ای که سیمین در شعر «مردی که یک پا ندارد»:

گویم که با مهربانی خواهم شکیبایی از او

پندش دهم مادرانه گیرم که پروا ندارد (بهبهانی، ۱۳۶۶، شریفی، ۱۳۹۱: ۲۷۳)

در این سطور نگاه سیمین تنها جنسیت زنانه را مطرح نمی‌کند بلکه نگاه یک مادر است که نسبت به یک جانباز جنگی و فرزند وطن، از او در مقابل از دست دادن پا شکیبایی می‌خواهد. انواع لالایی‌ها نیز نمود مادرانگی‌های سیمین و فراروی از نگرش جنسیت‌محورانه است.

لالایی گویم و خوابت کنم من

غلام شاه محرابت کنم من (همان: ۲۷۵)

لذا سیمین با فراروی از ساختارهای پیشینی تعریف شده یک گام فراتر می‌نهد و در خود نگاه مادرانه را نسبت به طبیعت، و فرزندان میهن پرورش می‌دهد. سیمین در این غزل از لحاظ طبیعی آن مرد جانباز را به دنیا نیاورده است اما نگاه و عطوفت مادرانه در ساحتی وجودی نسبت به آن جوان نمود یافته است. و نه صرفاً در ساحت یک انسان مؤنث که فرزندان می‌زاید زیرا در ساحت غریزی با تمام حیوانات مشترک است. این نوع نگاه مادرانه از غریزه مادری فراتر می‌رود و غریزه را تبدیل به عشق گسترده و بسیط در سهم سوم و ساحت مشترک بشری نموده است. و این همان بحث فراجنسیت‌گرایی است که بدون نفی ساحت‌های مؤنث و مذکر نگرانه، نگاه مادرانگی را در هستی از ساختارهای پیشینی فراتر می‌برد و به جایگاهی فراجنسیت‌گرایانه می‌رساند. که آذریک بر آن بسیار تأکید دارد. (عسگری، ۱۴۰۲: ۲۸)

سیمین حتی پا را از این فراتر نهاده و دردها و مرارت‌های یک مادر فقیر را نیز به تصویر می‌کشد.

کودک روانه از پی بود نق نق کنان که «من پسته»

«پول از کجا بیارم من؟» زن ناله کرد آهسته (همان ۲۷۷)

نازک الملائکه نیز در شعر «ماساه الاطفال» مادرانه از کودکانی سخن می‌گوید که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند.

اشک‌های کودکان دل را آزرده می‌کند

ولی چاره‌ای از آن نیست

پس داد و فریاد از بدبختی

آنان کسانی هستند که به آنها احساس بخشیده شده است و فقط گریه می‌کنند. (نازک، ۲۰۰۸، ۱۶۰)

۲_ دغدغه‌های وجودی_ موجودی:

یکی از دغدغه‌های وجودی در اشعار نازک الملائکه و سیمین بهبهانی پرداختن به مسئله میهن، وطن پرستی و عشقی فراتر از تن و دگر سوژه‌ها است، هرچند وطن نیز نسبت به انسان یک دگر سوژه است که می‌توان با ارتباط بی‌واسطه با آن به دیالکتیک پرداخت و به درکی عمیق دست یافت.

نازک الملائکه عشق خود را به وطنش این گونه بیان می‌کند:

اینجا میهنم است/ عشق سرزمینم، اجزای متلاشیم را یکی می‌کند و مرا جمع می‌کند/ و هدایت می‌نماید/ به شیرین‌ترین

چیز/ به گرانیهاترین (چیز)/ به بلندترین (جایگاه) بر فراز شعله آتش/ نهان می‌شوم (نازک الملائکه، ۲۰۰۲م، ۴۳۷)

همچنین با پا را از میهن خویش فراتر گذاشته است و نسبت به جنگ و خونریزی در سایر ملل واکنش نشان می‌دهد؛ در پاره‌ای از سروده‌هایش با مردم مصیبت‌زده مصر که دچار بیماری وبا شده‌اند همدردی می‌کند.

هنوز بشریت از جنگ نخست به خود نیامده و آرام نگرفته است. که مصیبت‌ها او را هدف قرار داده‌اند ای زندگی رحمتی

آرا خون قربانیانی که بر زمین ریخته شده است تو را کافی است (الملائکه، ۱۹۹۷، ج ۴۳: ۱، سیدی ۱۳۹۰، ۲۱۳)

یکی از مظاهر نگرش فراجنسیتی پرداختن به امور انسانی و فرارفتن از ساختارهایی است که شخص را محدود و محصور در چارچوبه‌ها و قواعد و قوانین نژادپرستانه کرده است. نازک الملائکه از ساختارها پا را فراتر نهاده و با درد جامع بشریت همراه و همدل شده است. و بیان می‌دارد که می‌خواهد بر اندوه جهان بگریزد. در واقع نازک الملائکه با فراروی از من شخصی و من اجتماعی به منی انسان گرایانه و وجودمندانه رسیده است.

بر کرانه زمستان جمع اندوهگین‌ها و کاروان گرسنه‌ها را دیدم. فردا گیتارم را بر خواهم داشت و بر اندوه جهان خواهم گریست (همان: ۵۶۹)

و یا می‌توان به احساسات و دغدغه‌های وجودی اشاره کرد:

و قلب خود را در گمان‌ها پیچیده‌ام

و اینجا با وقار ایستاده‌ام

نگاه دوخته‌ام، قرون از من می‌پرسند که من کیستم (همان: ۲۲۳)

و سیمین بهبهانی در شعر «که چی؟» دغدغه‌مندانه «آمدنم بهر چه بود» را ابراز و بیان داشته است.

که چی؟ که بمانم دویست سال به ظلم و تباهی نظر کنم

که هی همه روزم به شب رسد که هی همه شب را سحر کنم

که هی سحر از پشت پیشه‌ها دهن کجی آفتاب را

بینم و با نفرتی غلیظ نگاه به روزی دگر کنم (بهبهانی، ۱۳۸۰، شریفی، ۱۳۹۱: ۳۳۹)

دیگر نه آن زن دغدغه‌مند و طرفدار حقوق زن‌هاست و نه آن زن طرفدار حقوق انسان‌ها بلکه از من شخصی و من اجتماعی فراروی کرده است و انسان‌مدارانه و وجودخواهانه به دنبال چیستی و چرایی حضور خود در هستی است؟ و عنوان می‌کند که روزمره‌گی و روزمرگی‌ها نمی‌توانند پاسخ مناسبی به علت وجودی او باشد.

۳. نتیجه‌گیری

نازک الملائکه و سیمین دو شاعر مشهور ادبیات فارسی و عربی هر دو به گونه‌ای نوآور و نواندیش بوده‌اند. و از لحاظ فرم و محتوا در شعر فارسی و عربی ایجاد تحولات فرمیک و محتوایی نموده‌اند. با توجه به اینکه در نقد عمیق گرا سه نوع نگاه به مقوله جنسیت یافت می‌شود، در این پژوهش آثار نازک الملائکه و سیمین بهبهانی از سه منظر جنسیت‌گرایی، ناجنسیت‌گرایی و فراجنسیت‌گرایی مورد بررسی واقع شد. با توجه به آثار این دو شاعر می‌توان گفت در شعر هر دو شاعر در اغلب موارد زنانه‌محورانه و جنسیت‌گرایانه به حوادث و رویدادها نگریسته شده است و از جمله مظاهر آن، دغدغه‌های زنانه، دفاع از حقوق هم‌جنسان، پرداختن به مشکلات و به تصویر کشیدن ساحت‌هایی از روانگاه زنانه است؛ لذا می‌توان گفت این دو شاعر از لحاظ نوع زنانه‌محوری در نوشتار دارای

اشتراکات فراوانی هستند. اما به طور کلی نمی توان گفت که اشعار این دو شاعر منحصرأ جنسیت گرا و زنانه محور است زیرا می توان نمودهایی از فراروی از جنسیت گرایی و حتی ناجنسیت گرایی یافت که در آنها جنسیت فقط ساحتی از وجود بوده است. و در برخی آثار با سوژه و ابژه شناور مواجه هستیم و جنسیت نویسنده برای مخاطب نامشخص است و گاه شاعر پا را فراتر گذاشته و با حفظ جنسیت از ساختارها فراروی کرده است.

از دیگر محدودیت ها و مشکلات زنان در عصر نازک و سیمین می توان به دیدگاه سنتی مردانه اشاره کرد؛ در آن دوره همان طور که نازک و سیمین در اشعار خود اشاره دارند، قوانین عادلانه وضع نشده و قوانین به نفع مردان بوده و جایگاه زنان، جایگاه درستی نبوده است و بی عدالتی در این زمینه موجب تضییع حقوق زنان شده است. قوانین به صورتی بوده که در برابر مردان نرمش و تسامح بیشتری وجود داشته است اما در خصوص زنان قوانین به درستی وضع و اجرا نشده است و همین عوامل نشان دهنده جامعه سنتی و مردسالار عصر نازک و سیمین بوده که حاکی از جایگاه نامناسب زنان در جامعه بوده است. سیمین یکی از شاعرانی بوده است که از حقوق زنان دفاع کرده و انتقادهای زیادی نسبت به جنسیت گرایی و قوانین موجود داشته است. اشعار پیش از انقلاب سیمین رنگ و بوی اعتراض به مردان و جنسیت زدگی بافت اجتماع دارد که با نگاه سنتی به زنان می نگرند و آن ها را از مشارکت های اجتماعی منع می کنند. سیمین در شعر کولی، زن را اسیر اعصار تیره دیرین تاریخ می داند و جایگاه زنان در درون سنگواره ها می داند. یکی از موضوعات انتقادی نازک و سیمین نارضایتی عمیق هردو نسبت به مشکلات و تبعیض های جامعه بر زنان است و اعتراض خود را در اشعار خود به شکل های مختلف بیان کرده اند. در همین راستا سیمین شرایط نامساعد فرهنگی و اجتماعی را هدف قرار داده و فراجنسیت گرایانه اذعان می دارد که در شرایط نامساعد جامعه زن و مرد هردو به یک اندازه رنج می کشیدند و دلیلی نیست که زنان را مظلوم تر از مردان قلمداد کنیم. بر همین اساس سیمین از مردان می خواهد که نسبت به زنان توجه بیشتری نمایند.

پیشنها

۱_ انجام پژوهش های بنیادی در مورد فراجنسیت گرایی و ناجنسیت گرایی خصوصاً در مورد سوژه و ابژه شناور و دگر سوژه.

۲_ گسترش مفاهیم نوین و استقبال مجلات علمی و پژوهشی از نظریات و ایده‌های جدید در حوزه ادبیات و خصوصاً ادبیات تطبیقی

۳_ انجام تحقیقات کاربردی در مورد فراجنسیت گرایی و ناجنسیت گرایی در سطح ملی و بین‌المللی.

منابع و مأخذ

الف: کتاب‌ها

- ابومحسوب، احمد. (۱۳۸۷)؛ گهواره سبز افرا: زندگی و شعر سیمین بهبهانی، تهران، نشر ثالث، چاپ دوم.
- احمدی، پگاه. (۱۳۸۴)؛ شعر زن از آغاز تا امروز، تهران، نشر چشمه، چاپ اول.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۸)؛ مجموعه اشعار، تهران، موسسه انتشارات آگاه.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۷)؛ با قلب خود چه خریدم؟، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم.
- سیدی، حسن. (۱۳۸۰)؛ نیما و نازک‌الملانکه، مشهد: نشر ترانه
- شرابی، هشام. (۱۳۶۹)؛ روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- شریفی، فیض. (۱۳۹۱)؛ شعر زمان ما، سیمین بهبهانی، تهران، موسسه انتشارات نگاه
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰)؛ شعر معاصر عرب، تهران، انتشارات سخن
- عزالدين، يوسف. (۲۰۰۷)؛ التجديد في الشعر العربي الحديث، دمشق، دارالمدى للثقافة والنشر، چاپ دوم.
- عابدی، کامیار. (۱۳۷۹)؛ ترنم غزل، تهران، کتاب نادر، چاپ اول.
- عسگری، عاطفه. (۱۴۰۲)؛ زبانه‌های عاشقانه، تهران، انتشارات امید سخن
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۶)؛ به زیر مقنعه: بررسی جایگاه زن ایرانی، از قرن اول هجری تا عصر صفوی، تهران، علم
- نازک‌الملانکه، غاده السمان، سنیه صالح. (۱۳۹۶)؛ خاکستر تمدن‌ها (سروده های سه شاعر معاصر عرب-فارسی-عربی-انگلیسی)، مترجمان زهرا یزدانی پناه، مهدی افشار، تهران، نشر خورشید باران،
- الملانکه، نازک. (۲۰۰۲م)؛ الاعمال الشعرية الحرفی العراق. ط ۱، المجلس الاعلی للثقافة
- الملانکه، نازک. (۱۹۹۷)؛ دیوان، بیروت، دارالعودة
- الملانکه، نازک. (۲۰۰۸)؛ الاعمال الشریعة الکاملة، بیروت، دار العودة، ج ۱ و ۲.
- مسیح، نیلوفر. (۱۴۰۰)؛ عاشقانه‌های یک فرازن، کرمانشاه، دیباچه
- محمدی، حسنعلی. (۱۳۷۹)؛ از بهار تا شهریار، تهران، ازغون، چاپ چهارم.
- آذریچک، آرش، سوشیان، ستی سارا. (۱۴۰۱)؛ «تقابل اکوفمینیسیم و فرافمینیسیم در ادبیات طبیعی»، پژوهش‌های نوین ادبی، سال اول، شماره دوم، (صص ۱-۳۲)
- حاتمی، سعید و صفایی، پروانه. (۱۳۹۱)؛ «مقام زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی و عارف قزوینی»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال سوم، شماره ۱۲، (صص ۶۵-۸۰)
- دادخواه، حسین، فقیهی، شهربانو. (۱۳۸۸)؛ «احساس و عاطفه شاعران معاصر عرب نسبت به حقوق زنان»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هفتم، شماره ۱۲، (صص ۴۸-۳۱)
- سیفی، محسن، اسدی پور، علی، اسماعیلی، سجاد. (۱۳۹۳)؛ «نقد تطبیقی آزادی زنان در اشعار سعادت‌الصباح و سیمین بهبهانی»، فصلنامه

- علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال ششم، شماره ۲۲، (صص ۵۵-۴۱)
- درویشی، امید، زیرک‌ساز، کتیور (۱۳۹۹)؛ «زن در اشعار سیمین بهبهانی امید» پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۳، (صص ۲۳۶_۲۴۹)
- مسیح، نیلوفر (۱۴۰۱)؛ «زبان به مثابه دگرسوژه»، پژوهش‌های نوین ادبی، سال اول، شماره اول، (صص ۱_۲۵)
- ب: کنفرانس‌ها
- آذریک، مسیح، نیلوفر (۱۴۰۲)؛ «سوژه، دیگری، دگرسوژه، از راسیونالیسم تا فرائیسم»، دومین کنفرانس روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و علوم انسانی.
- نعمتی قزوینی، معصومه، رخشنده‌نیا، سیده اکرم. (۱۳۹۱)؛ «بررسی سیمای زن در آثار دو شاعر معاصر عراق و ایران، نازک الملائکه و فروغ فرخزاد»، ششمین همایش پژوهش‌های ادبی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پ: پایان‌نامه
- ذاکر سواعدی، سهام. (۱۳۹۴)؛ «بررسی تطبیقی دفاع از حقوق زنان در اشعار نازک الملائکه و ژاله فراهانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

References

A: Books

- Abu Mahboob, Ahmed (1387); Maple Green Cradle: Life and Poetry of Simin Behbahani, Tehran, third edition, second edition.(in Persian)
- Ahmadi, Pegah (1384); Women's poetry from the beginning to today, Tehran, Cheshmeh Publishing House, first edition. .(in Persian)
- Behbahani, Simin (2008); A collection of poems, Tehran, Aghaz publishing house. .(in Persian) Behbahani, Simin. (1377); What did I buy with my heart?, Tehran, Sokhan Publications, second edition. .(in Persian)
- Sidi, Hassan (1380); Nima and Nazhzul Malakeh, Mashhad: Eshar Taraneh. .(in Persian)
- Sharabi, Hisham (1369); Arab and Western intellectuals, translated by Abdul Rahman Alam, Tehran, Office of Political and International Studies, first edition. .(in Persian)
- Sharifi, Faiz (2012); Poetry of our time, Simin Behbahani, Tehran, Negah publishing house. .(in Persian)
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (1380); Contemporary Arab Poetry, Tehran, Sokhon Publications. .(in Persian)

- Ezzeddin, Yusuf. (2007); Revision of Al-Shaar al-Arabi al-Hadith, Damascus, Dar al-Madi for culture and publication, second edition.. (in Persian)
- Abedi, Kamiar. (1379); Tarnam Ghazal, Tehran, Nader book, first edition. (in Persian)
- Askari, Atefeh (1402); Romantic Tabs, Tehran, Omid Sokhn Publications. (in Persian)
- Hijazi, Banafsheh (1376); Under the mask: investigation of the status of Iranian women, from the first century of Hijri, Safavid era, Tehran, Alam. (in Persian)
- Nazzul-Malakeh, Ghadeh Al-Saman, Saniyeh Saleh (2016); Ashes of civilizations (songs of three contemporary Arab poets (Persian-Arabic-English), translated by Zahra Yazdani-Panah, Mehdi Afshar, Tehran, Khursheed Baran Publishing House, (in Persian)
- Al-Malaika, Naz (2002 AD); Al-Amaal al-Shaariyyah al-Harfi al-Iraq. 1, Majlis al-Ala Lal-Thaqafa. (in Persian)
- Al-Malaika, Naz (1997); Diwan, Beirut, Dar al-Oudeh..(in Persian)
- Al-Malaika, Naz (2008); Al-Amal al-Sharia al-Kamalah, Beirut, Dar al-Oudah, vol. 1 and 2. (in Persian)
- Christ, Nilofer (1400); Romances of a Farazan, Kermanshah, Preface.(in Persian)
- Mohammadi, Hassan Ali (1379); From Bahar to Shahriar, Tehran, Azghanoun, 4th edition. (in Persian)
- B: Magazines.(in Persian)
- Azarpik, Arash, Soshian, Setisara (1401); 'Confrontation between ecofeminism and parafeminism in natural literature', modern literary researches, first year, second issue, (pp. 32-1) .(in Persian)
- Hatami, Saeed and Safaei, Parvaneh (2012); 'The role of women in the poetry of Abolqasem Lahouti and Aref Qazvini', the scientific research quarterly of Women and Culture, third year, number 12, (pp. 80-65) .(in Persian)
- Dadkhah, Hossein, Faqihi, Shahrabano (2008); 'Feelings and feelings of contemporary Arab poets towards women's rights', Adab Ghanai research journal, 7th year, number 12, (pp. 31-48) .(in Persian)

Saifi, Mohsen, Asdipour, Ali, Esmaili, Sajjad (2013); 'Comparative criticism of women's freedom in the poems of Soad al-Sabah and Simin Behbahani', Scientific (in Persian)

Research Quarterly of Women and Culture, Year 6, Number 22, (pp. 41-55) (in Persian)

Darvishi, Omid, Zarksaz, Kativar (2019); 'Woman in the poems of Simin Behbahani Omid', Ormuzd Research Journal, No. 53, (pp. 249-236) (in Persian)

Christ, Nilofer (1401); 'Language as a Other Subject', Modern Literary Researches, 1st year, 1st issue, (pp. 25-1)

A: Conferences.

Azarpik, Masih, Nilofar (1402); 'The subject, the other, the other subject, from rationalism to paraism', the second conference of psychology, educational sciences, social sciences and humanities. (in Persian)

Nemati Qazvini, Masoumeh, Rokhshandenia, Seyida Akram (2011); 'Examination of the image of women in the works of two contemporary poets of Iraq and Iran, Narak Al-Malaika and Forough Fazkhazad', 6th Literary Research Conference, Tehran, Shahid Beheshti University. (in Persian)

D: Dissertation

Zakir Sawadi, shares (2014); 'A comparative study of the defense of women's rights in the poems of Nazzul Malakeh and Jaleh Farahani', master's thesis of Arabic language and literature, Shahid Chamran University of Ahvaz. (in Persian)